

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای آفاسید یعقوب
(بعضیون ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم از تریاک چهار قران گرفته شود.
مخبر - بنده قبول میکنم که ملاک است خاتمه پیدا کند.
رئیس - آقای دولت آبادی رئیس نهاد تان را چه میکنید؟
دولت آبادی - بفرمائید قرائت شود (شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد می کنم که از تریاک يك من دو قران و پانصد دینار گرفته شود.
دولت آبادی - بنده نمی خواهم داخل در موضوع تجارت تریاک بشوم و راجع به تجارت تریاک و تأثیرات و بیش آمده های اخیری که این مال التجاره و تره بیات آن کرده است و ضررهائی که بمملکت وارد شده نمی خواهم وارد شوم فقط میخواهم عرض کنم تریاک که از ایران خارج می شود بدو صورت است يك صورتش همان عوائد قانونی است و در بعضی جاهای غیر از عوارض قانونی عوارض غیر قانونی هم دارد بنده از نقطه نظر تریاک اصفهان عرض میکنم يك نفر از نمایندگان - اصفهان تریاک ندارد.
دولت آبادی - اگر تریاک ندارد بنده حرفش را از من عمده تریاک که از ایران بیرون میرود از اصفهان خارج می شود که آمده اند و يك قرارداد با تجار اصفهانی کرده اند بطور اجبار که تاجر تریاک فروش اصفهانی خودش حق ندارد تریاکش را حمل کند و باید بتوسط پست حمل کند آن وقت يك مبلغ گزافی که سی و سه تومان یا سی و چهار تومان است از هر صندوق میگیرند و حمل می کنند.
در این مدت مکرر شکایت از تجار اصفهانی شده است که ما نمی توانیم پای بند این قرارداد باشیم. بموقع تریاک ما نمی رسانند و ضرر ما وارد میشود و ما می خواهیم در باب تریاک خودمان آزاد باشیم.
و بنده از نقطه نظر کلیه تریاک ایران عرض می کنم يك من پنج قران زیاد است و باید اقلاً نصف شود و زیاد تر از این را جایز نمی دانم.
آقای وزیر يك فرمایشی کردند و فرمودند که ما عوض این مالیات از آن عوارض غیر قانونی می گاهیم.
بنده عرض میکنم بیش از این نباید تحمیل شود. تریاک يك جا مالیات میدهد يك جا هم باید صندوقی سی و سه تومان اجباراً مالیات غیر قانونی پست بدهد يك جا هم يك من پنج قران اینجا بدهد. ببینید چه قدر می شود آن وقت صندوقی هیچده تومان هم بر آن سی و سه تومان اضافه می شود.

پس دیگر کی خرید و فروش می کند و بالاخره اگر ممکن است اولاً اعمال همین هجده تومان از آن عوارض قانونی به کنند بنده عرضی ندارم و الا عقیده بنده این است که يك من پنج قران زیاد است از این جهت نصف پیشنهاد کردم.
رئیس - آقای مخبر حالا دیگر بسته است بنظر آقایان.
مخبر - بنده نمی توانم قبول میکنم.
رئیس - عده کافی نیست. متأسفانه بواسطه بدی بعضی مواد نظام نامه بعضی از آقایان استفاده می کنند و هیچ جزائی هم در بین نیست علی ایحال جلسه را ختم می کنیم جلسه آتی روز شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور همین دستور امروز.
(مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین منشی م. شهاب منشی علی خطیبی

جلسه ۲۴۸

صورت مشروح مجلس

مورخه شنبه هفدهم

بهمن ماه ۱۳۰۴ مطابق

بیست و دوم رجب ۱۳۴۴

مجلس دوساعت قبل از ظهر

بر ریاست آقای تدین تشکیل

گردید.

(صورت مجلس پنجشنبه پانزدهم

بهمن ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت

نمود)

رئیس - آقای نظامی

(اجازه)

میرزا بدالله خان نظامی - قبل از دستور

عرض ارم.

رئیس - آقای دکتر آقایان

دکتر آقایان - قبل از دستور

رئیس - آقای آصف

فرج الله خان آصف - بنده ابتلاء و

کسالت را اخیراً بمقام محترم ریاست

اطلاع داده بودم اینجا بنده را غائب

بی اجازه نوشته اند گمان میکنم قابل اصلاح

باشد.

رئیس - اصلاح می شود

آقای شوشتری

(اجازه)

شوشتری - بر طبق رأی مجلس

مقدس القاب ملغی شده و این قضیه در صورت

مجلس رعایت نشده است آقای میرزا حسین

خان مستوفی را مستوفی الممالک مینویسند

و این قضیه از اینجا بجرائم تجاوز کرده

است خوبست رعایت این مسئله بشود و در

صورت مجلس القاب را ننویسند

رئیس - اصلاح میشود آقای آقا

سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - در جلسه قبل آقای مدرس پیشنهادی کردند راجع باینکه الغاء باج راهها از دستور خارج شود و قابل توجه شد. در صورت مجلس نوشته نشده است.

رئیس - آنهم اصلاح میشود. دیگر نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست (گفته شد - خج)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای نظامی

(اجازه)

جمعی از نمایندگان - (با هم)

دستور

يك نفر از نمایندگان - اجازه داده

شده است

نظامی - بنده هم تقریباً نسبت به

دستور عرضی دارم. خدمات نمایندگان

دوره پنجم البته قابل تقدیر است. و بنده

هم مفتخرم که اسمم در تاریخ از خدمات

واحساساتی که در دوره پنجم بخرج داده ام

باقی خواهد ماند ولی متأسفم از اینکه در

ضمن آن تاریخ نوشته شود که در آخر

دوره پنجم نمایندگان محترم بعضی لوایح

عام المنفعه را بسهل انگاری برگذار

کردند.

آقایان مستحضرند که دو جلسه دیگر

از عمر مجلس بیشتر باقی مانده است از این

جهت بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام که دو

روز دیگر هم بجلسات مجلس اضافه شود.

که این لوایح زودتر بگذرد امر بفرمائید

قرائت شود هر طور آقایان صلاح می دانند

رفتار فرمائید

رئیس - با تصدیق بقسمت اول

فرمایشاتتان عرض می کنم که هیچوقت

آقایان نمایندگان نسبت بقضایا سهل -

انگاری نکرده اند (نمایندگان - صحیح

است)

اما راجع به پیشنهادتان هیچ وقت در

اول جلسه معمول نبوده است و این قبیل

پیشنهاها باید در آخر جلسه تکلیف معلوم

شود.

جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - پیشنهاد آقای دولت آبادی

که جلسه گذشته بواسطه نبودن اکثریت در

آن رای گرفته نشد قرائت میشود و نسبت به

آن رای می گیریم

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که از تریاک

يك من دو قران و پانصد دینار گرفته

شود.

رئیس - آقای دولت آبادی.

دولت آبادی - اگر مسئله عوارض غیر

قانونی تریاک را دولت قبول کند که بردارد

من پیشنهاد خود را مسترد می دارم

رئیس - در ضمن توضیحات آقای وزیر

مالیه اشاره باین مقصود شد بنا بر این

مسترد میدارید؟ يك پیشنهاد دیگر بدهد.

که از تریاک يكمن يكقران اخذ شود لابد آنرا هم مسترد می دارید

دولت آبادی - بلی

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می نمایم پس از جمله سیگار

و سیگار ت اضافه شود. به استثناء

توتون.

طهرانی - چون ما اصطلاح سیگار

سیگار را درست نمیدانیم این سیگاری که

ما استعمال می کنیم سیگار است که پیچیده

شده است ولی آقایان می گویند مراد از

سیگار آنها است. و مقصود از سیگار

توتونی است که برای استعمال تهیه شد

است

اگر مقصود از سیگار سیگار است و

سیگار عبارت از نفس توتون است که هیچ

و اگر غیر سیگار غیر از توتون است و نفس

توتون نیست باید توتون استثناء شود زیرا

به صادرات ما صدمه وارد می سازد ولی اگر

مقصود از سیگار همان توتون است که بنده

پیشنهاد خود را مسترد میدارم

رئیس - صراحة مسترد می دارید؟

طهرانی - بلی مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای طهرانی

(شرح آن خوانده شد)

این بنده پیشنهاد مینمایم که از هر منی

نقط چهارشاهی ...

طهرانی - اینجا لازم است بنده توضیح

بدهم. آقای وزیر فوائد عامه هم تشریف

دارند نقط دوشکل وارد و صادره دارد.

يكی از لوله است يكی هم از روی

زمین.

اگر اینجا مقصود از يكمن دهشاهی

کلیه نقط است که چه بالوله و چه از روی

زمین صادر و وارد میشود ضرری ندارد

والا اگر نقط وارد و صادره از لوله جزء

راه نیست کدام انصاف مقتضی است که از

نقطی که باید فلان عائله دهانی يكشاهی

بخرد و شب تا صبح استخوان کند يكمن ده

شاهی و از بنزین که قیمتش چهارمقابل نقط

است يكمن پنجشاهی بدهد

از این جهت است که بنده پیشنهاد

کردم يكمن چهارشاهی و بنزین يكمن پنج

شاهی باشد.

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - بنده نمیتوانم قبول کنم

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه

بودن پیشنهاد آقای طهرانی

آقایانی که قابل توجه میدانند قیام

فرمایند.

(ممدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای

مهدوی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد

از جمله شتر اسب تا بیره نوشته شود (در سرحد

گرفته خواهد شد)

مهدوی - بمقتضای بنده چون این جا توضیح نشده است و مقصود هم همین بوده است لازم است این عبارت نوشته شود که در آیه سوء تفاهم نشود.

مخبر - بنده نمیتوانم قبول کنم بنظر مجلس واگذار میکنم

رئیس - این پیشنهاد اصلاحی است

مخبر - بفرمائید دوم تبه بخوانند

(مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

مخبر - بسیار خوب قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فرمند و دو نفر دیگر

فرمند - نظریه بنده تأمین شد بنده

مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای عدل

(باین نحو خوانده شد)

تبصره ذیل را در آخر ماده اول پیشنهاد

میکنم

مالیاتهای مذکوره در فوق فقط يك دفعه در موقع ورود و خروج دریافت و دیگر بهیچ عنوانی در بین راهها و شهرها اذبار هاجیزی دریافت نمیشود

عدل - عرض میشود همه میدانند که

این مالیات عوض نوافل و باج راهها است

که در شهرها از مال التجاره و در باج گرفته

میشود و بدیهی است که یکمرتبه خواهند

گرفت و این چوبهایی که در راهها دراز

کرده اند باید برداشته شود ولی اینجا

برای اینکه ناکید شود که یکمرتبه بیشتر

نمیگیرند بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم

و با آقای وزیر مالیه هم مذاکره کردم ایشان

هم موافق هستند

وزیر مالیه اصلاً این لایحه که نوشته

شده است برای همین مقصود است و گمان

نمیکنم دیگر ذکرش لازم باشد زیرا خود

این قانون برای همین است ولی اگر اصرار

دارند مانعی ندارد

مخبر - ماده چهارم صراحت دارد این

مسئله را ولی اگر آقایان قانع میشوند

و پیشنهادات زیادتری نمی دهند قبول

میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

کازرونی - نظریه بنده نظریات بنده

را حضرت آقای وزیر مساعدت کردند و

بنام در کمیسیون اصلاح شود تا تمام

پیشنهاداتی که داده ام پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای نظامی

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سوم ...

آقا سید بقوب - هنوز به ماده سوم

نرسیده ایم

رئیس - پیشنهاد آقای غلامحسین میرزا

مسعود

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در قسمت

چهارم اضافه شود

بعد از غلات (برنج - کتیرا - ذغال -

گنبد -

غلامحسین میرزا مسعود - موقعی که

بنده این پیشنهاد را دادم هنوز آقای مخبر

آن سه قسمتش را قبول نکرده بودند حالا

اگر کتیرا را هم قبول میکنند بنده پیشنهاد

را مسترد میدارم زیرا کتیرا چیزی نیست که

یکم دهشاهی بدهد

مخبر - قسمت کتیرا را قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید بقوب

(باین طریق قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده اول عوارض

منسوجات باین ترتیب معین شود

منسوجات پنبه يك من دو قران

منسوجات پشمی يك من سه قران

منسوجات کتانى يك من پنج قران

منسوجات ابریشمی يك من يكتومان

معین شود

آقا سید بقوب - بنده این پیشنهاد را

روز پنجشنبه تقدیم کردم زیرا مطابق

توضیحی که آقای مخبر دادند وضع این

عوارض بیک میزان واحدی نبود

اگر میزان واحد يك مناط واحدی

اخذ شود مثلاً بابت بارون آن چیزی که بوزن

می آید و در مملکت عبور میکند نظر بوزن

باشد بنده حرفی ندارم ما باید نظر کنیم

بوزن هیچ فرق نمیکند آن چیزی که بوزن

می آید طلبا باشد یا چیز دیگر کتان باشد یا

ابریشم وقتی که ملاحظه وزن باشد هیچ

فرق نمیکند

زیرا همان اندازه ای که وزن ابریشم

است و در مملکت عبور میکند و راه را خراب

میکند همان اندازه هم پنبه وقتی عبور کند

خراب میکند

بنده ملاحظه کردم اگر بابت باران اسباب

تجمل باشد یعنی يك اسبابی باشد که

مدخلیت در اصل معیشت مانند داشته باشد و

وضع عوارض بر او بکنیم اینهم مناط کار

نیست زیرا نه کمیسیون و نه دولت این مقصود

را داشته اند که با وضع این عوارض جلو گیری

از اسباب تجملی کرده باشند

بنده ملاحظه کردم راجع بمنسوجات

دبدم بمنسوجات پنبه ای را که فقرامیوشند

و بالاتر از آنرا متوسطین و بالاتر از آنرا

اغنیاء و چون دیدم نه کمیسیون و نه دولت

ملاحظه مناسطه ای را کرده اند بالتجربه بنده

این پیشنهاد را کردم

ما حالا که میخواهیم این قانون را

وضع کنیم که تا اندازه ای از تجملات و مخارج

فوق العاده که در تهران و شهرها هست

آقا سید بقوب - هنوز به ماده سوم

نرسیده ایم

رئیس - پیشنهاد آقای غلامحسین میرزا

مسعود

هیچ والا رای گرفته شود

مخبر - نمیتوانم قبول کنم

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه

مجلس است

بودن پیشنهاد آقا سید بقوب آقایانیکه قابل

توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد

آقای افسر

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم از کلیه نفت های صادره

و وارد بهر نحو که صادر یا وارد شود من هشت

شاهی گرفته شود

افسر - بنده در نقطه يك من دهشاهی را

زیاد میدانم و بعلاوه عقیده ام اینست که از

کلیه نفت های وارد و صادره این مالیات

گرفته شود خواه با واسطه یا بقیه حمل شود

خواه با اوله

اینست که پیشنهاد کردم از کلیه نفتها

(فرضا با اوله نفت بیجار خاله هم کمی آید)

يك من هشت شاهی مالیات اخذ شود

مخبر - بنده نمیتوانم قبول کنم

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه

بودن پیشنهاد آقای افسر آقایانیکه قابل توجه

میدانند قیام فرمایند

(عدای برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد

آقای ضیاء

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود که تبصره ذیل بماده اول

علاوه شود

تبصره - بمیزان مالیات تریاک که

موافق این قانون يك من پنج قران گرفته

میشود از عوارض غیر قانونی تریاک صادره کسر

خواهد شد

رئیس - برای تریاک يك من چهار قران

پیشنهاد شد و آقای مخبر قبول کردند

يك من پنج قران چهار قران می شود

بفرمائید

آقا سید ابراهیم ضیاء - بنده توجه آقایان

نمایند گائرا بیک قسمتی که خودشان کاملاً

علاقه به آن قسمت دارند جلب میکنم و آن

قسمت صادر است البته باید در مقابل این

واردات سنگین سعی کرد که صادرات زیاد

شود

مخصوصاً رابرتی که از طرف رئیس

گل مالیه اخیراً بطبع رسیده يك سطر

آنرا که راجع بترماک است بعرض

آقایان میرسانم که بیشتر متوجه شوند

میتواند (که از جدول فوق ملاحظه

خواهد شد که تجارت صادرات ایران

نازه علامت بهبودی را نشان میدهد و با

اینحال فقط در دو سه اخیر صادرات توانسته

است خود را نصف واردات نماید) باین جهت

است که هر نوع اقدام در تحمیل بر تریاک

بدون اینکه صادرات جدیدی قائم مقام

آن گردد و در حکم انتعار خواهد

بود

در يك مملکتی که این همه واردات

سنگین دارد آنوقت تحمیل بر صادرات

مضر است

وقتی که ما درست نوجه کنیم به

تحملاتی که نسبت به تریاک میشود هر

يك صندوق تریاک ایران در سر حدانلا

صد و بیست تا صد و بیست و پنج تومان

عوارض باو تعلق میگیرد

از عوارض غیر قانونی و مالیاتهای

قانونی و سایر اقسام مالیات ها

این چهار قران را هم که برهریک

من اضافه کنیم می بینیم که يك صندوق

تریاک يكصد و پنجاه تومان یا صد و

شصت تومان عوارض گرفته است

قسمت عمده اینها عوارض غیر قانونی

است که بر تریاک تحمیل میشود

اگر ما میخواهیم زراعت تریاک

از ایران برداشته شود باید سعی کنیم

يك چیزی بجای او تهیه کنیم و آنوقت

این زراعت را که گیاهات صادرات بزرگ

ما است از پیش ببریم

بنده عوارض غیر قانونی را بعرض

آقایان میرسانم یکی عوارض انبارداریست

که تریاک وقتی وارد انبار دولتی میشود

باید از قرار يكمن يكشاهی در هر روز

انبارداری بدهد ولی این مسئله هنوز در

تمام ایالات و ولایات اجرا نشده است

و عوائد سالیانه از این محل هم تقریباً

نوزده هزار تومان است

دوم عوارض حمل و نقل

آقایان مسبق هستند که دوات میگویند

باید تریاک با یست دولتی حمل و نقل

شود و هر يكمن آنرا فرسخی هفتاد و

پنج دینار گراه می گیرند

رئیس - آقا مخبر تر ملاحظه

ماده ۶۲ را بفرمائید

ضیاء - و همچنین عوارض سنگین

دیگر این بود که بنده پیشنهاد کردم این

يكمن چهار قران که بنا است از تریاک

گرفته شود از عوارض غیر قانونی که از

تریاک گرفته میشود کسر شود

رئیس - اگر بنا باشد باین پیشنهاد

رای گرفته شود

آنوقت تصدیق ضمنی شده است که

عوارض غیر قانونی گرفته شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است

مخبر - همانطور که آقای رئیس

فرمودند این مالیات غیر از گمرک است

گمرکی که در سرحد می گیرند عوارض

غیر از این مالیات است که عوض نوافل و باج

راه گرفته می شود ایشان می شود اسم گمرک

رویش گذاشت

بنده يك پیشنهادی کردم و برای اینکه

نظریه آقایان تأمین شود تقدیم کردم آقای

وزیر مالیه و کمیسیون هم قبول کردند که این

مالیات را يك دفعه می گیرند

در صورتیکه آنرا قبول کردند دیگر

این پیشنهاد مورد ندارد

نظامی - برای اینکه نظریه بنده تأمین

شده است پس می گیرم

زاهدی - پیش نهاد بنده مافیات از

کل مالیات صادره است از باب

تریاک

رئیس - قرائت می شود

(اینطور خوانده شد)

اینجانب پیش نهاد می کنم که از

تریاک صادره سوای يكمن ه قران این

لایحه از هر قسم مالیات معاف باشد

زاهدی - این پیش نهادی که بنده

کردم برای این است است که يك عوارضی

از مال التجاره های صادره گرفته میشود

و از تریاک هم که یکی از بهترین مال

التجاره های مملکت ما است می

گیرند

بنا بر این بنده پیش نهاد کردم که

سوای این مالیات تریاک از هر قسم مالیات

صادر معاف باشد

مخبر - بنده تصور می کنم موردش

همان ماده چهار است آنجا پیش نهاد

کنند بهتر است اینجا نمی توانم قبول

کنم

رئیس - خطاب بزاهدی مو کول

باده چهارم می کنید ؟ یا همین جا رای

بگیریم

زاهدی - مو کول می کنم باده

چهارم

رئیس - پیش نهاد آقای نظامی

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده اول

سطر دوم بعد از کلمه مملکتی نوشته

شود

در سرحد الی آخر

نظامی - عرض می کنم گرچه در

اینجا لفظ صادرات و واردات نسبتاً مقصود

بنده را تأمین می کند ولی مار کزیده

این از روی تمام نیست مثلا کسی که يك اتومبیل در شهر دارد و برای رفع احتیاجات خودش این اتومبیل را به قصد تومان خریدن بیاورد سی و پنج الی چهل تومان در سال بدهد و آنکسی که يك اتومبیل مفت در پی داشته باشد و اسب دارد و هم سی و پنج تومان بدهد این تناسب را بنده از روی عدالت بداند.

خرج اینها را از روی تناسب و عدالت باید از مردم گرفت در تمام درانم اینطور معمول است که در استقبال مواقع مالیات و عوارض را از روی فوه اسب می گیرند اعم از اتومبیل یا سایر موتورها که در وضع مالیات بر کسب و کار آتشی از روی فوه اسب حساب می کنند و عوارض می بندند.

بنده اتومبیل کرایه داران را می دانم ولی واقفم که از تمام این اتومبیلها حداقل سی تومان قرار بدهند و حداکثر را پنجاه تومان و از روی فوه اسب هم بگیرند و از اینرو بنده حساب کردم که نه تنها ما خودی دولت کسر نخواهد شد بلکه زیاده تر هم خواهند شد زیرا اگر از روی فوه اسب حساب کنیم اتومبیلهای شخصی و اتومبیلهای فرد زیاد تر هم می دهند کامیونها هم که کمتر میدهند با اتومبیل بیشتر بدهند آنها هم زیاد تر خواهند داد.

در هر حال بنده حد اقل را سی تومان و حداکثر را پنجاه تومان صلاح می دانم و پیشنهاد هم تقدیم کردم حالا اگر هیئت دولت یا مجری قبول می کنند اگر قیمتش را کمی بداند حداکثرش را مبلغی بالا تر ببرد ولی حداقل همین سی تومان حکماقی است دیگر بسته به نظر آقایان است.

مجری بنده نمائنده محترم را مراجعه می دهم بقانونی که در هفتم دلو ۱۳۰۳ از مجلس گذشته نظر مجلس این بود که وسائط نقلیه را باید در ملکات زیاد کرد و اتومبیل های کوچک چون برای سوار بست و چندان لازم نیست از این جهت در حکم بیرون بین اتومبیلها فرق گذاشته نشد.

زیرا اتومبیل های بارکش راست است که بیشتر صندیه دارد ولی از لحاظ اینکه وسائط نقلیه است و وسائط نقلیه را باید در ملکات زیاد کرد از این جهت کمیسیون تقارنی قائل نشد بلی اگر دوزی اتومبیل های بارکش و کامیونها هم در ملکات زیاد شد البته این نظر مراعات خواهد شد و در موقع وضع مالیات تفاوتی بین آنها و اتومبیل های شخصی منظور نخواهد شد.

ولی هر روز برای تشویق و برای اینکه وسائط نقلیه زیاد تر شود تفاوتی بین اتومبیل های بزرگ بارکش و کامیون با

اتومبیلهای کوچک نباید قابل شوی و هر دو را باید در درون هم قرار دهیم تا تشویقی بعمل آمده باشد.

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای شیروانی آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. آقایان یاسائی و تهرانی پیشنهاد کردند آنچه دو باب بارکش و سواری حذف شود تصور می کنم این نظریه تا همین شده.

طهرانی - پیشنهاد سابق بنده راجع باتومبیل بود.

رئیس - در این زمینه نبوده.

طهرانی - خیر در این زمینه نبوده.

رئیس - قرائت میشود (اینطور خوانده شد)

در ماده دوم پیشنهاد می کنم عبارت باین طریق اصلاح شود از اتومبیل ها خواهم شخصی و خواهم کرایه بقوه هراسی باز زده قران

طهرانی - بنده میخواهم هم آقای مخبر و هم آقای وزیر مالیه را متذکر کنم باینکه اتومبیل های کوچک که مالیات میدادند یکی مالیاتهای شهری و یکی هم مالیات راه اتومبیل های شخصی شهر را خراب و خیابانها را ضایع میکند اتومبیل های کرایه راه را خراب میکند و هیچ وقت اتومبیل های اجاره علی الاتصال در شهر حرکت نمی کنند

ولی اتومبیل های شخصی اگر صاحبش کار نداشته باشد متصل در خیابانهای شهر حرکت میکند و در این خیابان ها که صد هزار تومان باید در هر سه سال خرج آنها کرد گردش میکند

آنوقت مقایسه می کنند و میگویند راه های خارج را اتومبیل های کرایه ضایع میکند

بنده هم در مقابل می گویم راهها و خیابانهای شهر را هم اتومبیل های شخصی ضایع و خراب می کند و این مالیاتها را هم از آنها هم از این ها باید گرفت و نباید فرق بین آنها و این ها باشد این اولاً ثانیاً در مسئله این مالیات شما می گویند اتومبیل فرد اجاره شصت و شش تومان بدهد آنوقت يك اتومبیل که فرض بفرمایید چهل پنجاه نفر را سوار می کند آنها هم شصت و شش تومان بدهد آیا این چه تناسبی بهم دارد

این چه عهده ای است؟ این است که بنده پیشنهاد کردم کلیه اتومبیل ها از قرار هر قوه اسب یا زنده هزار بدهند آنوقت اگر صد قوه دارد صد یا زنده هزار باید بدهد و اگر ده قوه دارد ده یا زنده قران بدهد

چون اینها به يك تناسب شهر را خراب است

می کنند و يك تناسب را در ضایع می کنند ولی مطلقاً شصت و شش تومان نباید باشد که از اتومبیل های بزرگ هر دو هم به مبلغ گرفته شود

این است که بنده پیشنهاد می کنم این طور نوشته شود حالا بستم بنظر آقایان است

رضوی - بنده شخصاً اتومبیل ندارم ولی بنظر این بنده عملی میشود برای این که در اینجا بنویسند هر قوه اسبی یا زنده قران آن وقت يك اتومبیل ۷۰ قوه اسب دارد باید هفتاد یا زنده قران بدهد علاوه این شخص که این اتومبیل را دارد هر روز بیخود سوار نمی شود که توی شهر بزد بدهد و در خیابان ها بگردد و خیابانها را خراب کند

طهرانی - می خواهد گردش کند و یز بدهد

رضوی - خیر باین بنظر این گران کسی نمی خواهد یز بدهد این است که بنده با پیشنهاد ایشان مخالفم

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - موافق نیستم

رئیس - رأی گرفته میشود بنظر قابل توجه بودن پیشنهاد آقای طهرانی - آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دکتر آقایان

قسمت اول ماده ۳ را بشرط ذیل پیش نهاد می کنم

ماده ۲ از کلیه وسایط نقلیه مبالغ ذیل بعنوان حق الثبت مأخوذ خواهد شد (۱) از اتومبیل های بارکش و مسافری و شخصی دستکاهی شصت تومان

(ب) از هر قوه اسبی به قران

دکتر آقایان - اگر در این لایحه پیشنهادی دولت مقصود اصلاح مالیات باج راهها نبود بنده اساساً مخالفت می می کردم چون باین اصول و وضع این قبیل مالیاتها اصلاح بنده مخالفم

ولی چون لایحه اصلاحی است و راجع باصلاح باج راهها است بنده مخالفت نمیکنم ولی به نظر آقایانرا تذکر می دهم که يك چیزهایی است که در دنیا سابقه دارد و ما تازه شروع می کنیم و بد نیست وقتی که ما شروع می کنیم یک قدری هم راجعه کنیم و به بینیم آنها را به آنکه عمل کرده اند چه نتیجه ازش گرفته و چه سلیقه ای پیدا کرده اند

هر اتومبیلی در دنیا دوسه جور مالیات دارد يك مالیات معین که مالیات فیکس است و غیر قابل تغییر است

حالا این قسمت فیکس را میگویم و سالی بیست تومان یا سی تومان یا صد تومان یا صد پنجاه تومان بکنند اینها بسته به رأی مجلس است

ولی يك مالیات دیگر است که متغیر است این يك مالیاتی است که بسته بقوه خودش است چرا؟

برای اینکه اگر ما یکبار یک کشته را بگریزیم آن اتومبیلی که قوی تر است را در از زیادتر ضایع می کند و عادلانه هیچ نیست که بیشتر ندهد و اگر مسافری را بگریزیم آنکه قوی تر است و سنگین تر در خلش هر زاده تر است و باید مالیات آن زیاد تر باشد و آنکه کوچکتر و ضعیف تر است چون دخلش کمتر است از آن کمتر می گیرند

اگر از نقطه نظر اتومبیل های شخصی هم بگیریم این اتومبیل های شخصی کوچک که بقوه هشت اسبی و داسی است برای رفع احتیاج است

ولی آن اتومبیل هایی که بقول آقای رضوی هفتاد اسب قوه دارد چه در بار و مسافر حمل می کنند هشت هزار تومان هم قیمت دارد و مبالغی هم کرایه می گیرد و هیچ گونه دخالتی در احتیاجات ندارد این يك چیزی است که اگر فرضاً هم زیاد تر از آن مالیات گرفته می شود باز هم عادلانه است

اگر ما يك مالیات مخصوصی راجع به اتومبیل ها که این قبیل قضایا رعایت شده بود داشتیم بنده این پیشنهاد را نمی کردم ولی چون ندارم و بعنوان مالیات باج راه از اتومبیل ها اخذ می کنیم و در این قسمتی که میخواهم مالیات بر اتومبیل ها وضع شود باید فلسفه آن ملاحظه شود و اتومبیل معلوم شود

بالاخره بنده تقاضا می کنم که پیشنهاد بنده تجزیه شود و بقسمت اولش علیحده رأی گرفته شود و بقسمت دومش علیحده اگر دولت ...

رئیس - ماده ۶۳ نظام نامه را رعایت کنید

دکتر آقایان - توضیحات بنده همین بود که عرض کردم و اگر دولت و کمیسیون شصت تومان را اضافه کنند بنده دیگر عرضی ندارم

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - قبول نمی کنم

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای دکتر آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

دکتر آقایان - تقاضای تجزیه کرده بودم

رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی قرائت می شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده فقره اول ماده دوم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

از اتومبیل های بارکش و کرایه و تجارتی و مسافرتی شصت پنج تومان و از اتومبیل های شخصی سی و پنج تومان

و همتا متاسفانه نظام نامه داخلی مجلس گاهی يك موردی دارد که منع می کنند انسان نظریات خودش را در مواد اظهار دارد و لهذا بنده پیشنهاد نمودم که باینوسیله نظریات خود را مختصراً عرض کنم.

این مسئله را از چند نقطه نظر باید در نظر گرفت یکی اینکه ما می خواهیم تسهیلاتی فراهم کنیم برای کلیه وسایل حمل و نقل و نظر آقایان هم این است که تأسیس وسایل زندگانی در این

باید بگویم این است والا نظر کمیسیون همان بود که بعضی آقایان رسانند و این مورد را هم گذار برای مجلس میگویم.

رئیس - رأی میکنیم بنظر قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای کازرونی.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

اصلاح قسمت اول و دوم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

از اتومبیل های بارکش و کرایه و تجارتی سالیانه دستکاهی سی تومان و از اتومبیل های شخصی سالیانه دستکاهی شصت تومان

کازرونی - دلایلی را که ما برای اثبات مدعای خود ذکر می کنیم يك حرکات صعودی و نزولی دارد و هیچ معلوم نیست که مدرک وضع قانون ما چیست؟ انسان حالت بهت بر سرایش پیدا می شود!!

اگر برای اینست که می خواهیم وسایط حمل و نقل را در مملکت زیاد کنیم پس باید از اتومبیل های شخصی زیاد و از اتومبیل های عمومی کمتر مالیات بگیریم!!

اگر حقیقتاً نظر آقایان این است که آمد و رفت اشخاص در راه تأثیر دارد و تعمیر راه با آنها متعلق میشود پس این عوارضی که در اینجا وضع کرده اید تحصیل بر اشخاص میشود که نه اتومبیل دارند و نه الاغ و نه از راهها مسافر می کنند - اصلاً من نمی فهمم!!

پس خوب است شما این دلایل را نگویید که انسان روی دلایل شما پیشنهاد بدهد!! حالا که اینطور است بنده پیشنهاد خود را مسترد میکنم.

(خنده بین نمایندگان)

رئیس - پیشنهاد آقای رهنما (بشرح ذیل قرائت شد)

قسمت اول و دوم ماده دوم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

از اتومبیل های بارکش و کرایه و تجارتی و مسافرتی شصت پنج تومان و از اتومبیل های شخصی سی و پنج تومان

و همتا متاسفانه نظام نامه داخلی مجلس گاهی يك موردی دارد که منع می کنند انسان نظریات خودش را در مواد اظهار دارد و لهذا بنده پیشنهاد نمودم که باینوسیله نظریات خود را مختصراً عرض کنم.

این مسئله را از چند نقطه نظر باید در نظر گرفت یکی اینکه ما می خواهیم تسهیلاتی فراهم کنیم برای کلیه وسایل حمل و نقل و نظر آقایان هم این است که تأسیس وسایل زندگانی در این

مملکت اینقدر مشکل نباشد و قدری انسان از حیث زندگانی راحت باشد.

حالا از این قسمت می گذریم و به آیه بقسمت های دیگر

ذکر اینکه از اتومبیل شخصی باید بیشتر مالیات گرفته شود یا کرایه اینهم يك موضوعی است که قابل توجه است و اگر موضوع باین شکلی که مذاکرات جریان داشت میبود شاید بنده هم موافقت میکردم ولی حالا این طور نیست

این که آقای کازرونی میفرمایند - خیال میکنند واقعا صاحب این اتومبیل کرایه صد تومان داشته و داده است و آن اتومبیل را خریده - خیر آقا وسایل حمل و نقل شما در دست کمیابانهایی است که شاید با صد هزار تومان سرمایه داشته باشند

مثلاً بنگی کمپانی گفته است در لاهه زار و بنگی هم کمپانی فیات است که متصل اینها دارند حمل و نقل می کنند و این ها سرمایه شان ده تومان بیست تومان و صد تومان نیست سرمایه اینها دویست هزار تومان سیصد هزار تومان چهارصد هزار تومان است

بالاخره آن شوفر بدبختی که يك اتومبیل فرد دارد و با آن مسافر حمل و نقل میکند آنرا در نظر بیاورید - ملاحظه آن سرمایه دار را بکنید که چه قدر سرمایه دارد و چه قدر استفاده میکند ما هم مالیات آن اشخاص را میگوئیم زیاد باشد نه اشخاصی که بضاعتشان کم است

یکی هم راجع بقوه است در اینجا اظهار شد این هم بنظر بنده صحیح است ولی شما همیشه فکر کنید که اتومبیل پر قوه در مملکت زیاد شود زیرا وقتی که این قبیل اتومبیل های پر قوه زیاد شود طبیعی است که بیشتر مسافر میرود و بیشتر هم استفاده میکنند

بقول آقای حاج میرزا عبدالوهاب فلان اتومبیل که مثلاً هفتاد و پنج اسب قوه دارد می تواند سی نفر مسافر ببرد البته مالیات هم باید بیشتر بدهد

بنابر این بنظر بنده این شکل که از اتومبیل کرایه شصت و پنج تومان و از شخصی سی و پنج تومان گرفته شود خیلی عادلانه خواهد بود - حالا میگوئید آقایان رأی بدهند میگویند ندهند

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - قبول نمی کنم

رئیس - رأی گرفته می شود بنظر قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای آقا سید تقی مقبوض (باین ترتیب خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم کلاه (مواشی) هم نوشته شود بعد از دواب

بعضی از نمایندگان - قید شده است آقا سید تقی مقبوض - بنده تعجب می کنم

بنده پیشنهاد میکنم مالیات حق الثبت اتومبیل و در شکه و کالسکه شخصی و کرایه مساوی همان مبلغی که برای کرایه منظور شده اخذ شود

آقایان زاشهاب - اگر چه از مذاکرانی که شده و رأی هایی که داده شده فهمیده می شود که شاه بیت قصیده و ماده اموات این قانون همین ماده است و برخلاف آنچه نوشته شده شاید آقایان رأی ندهند

ولی بنده هر چه فکر میکنم می بینم هیچ موجب ندارد که يك اتومبیل را عدد جور مالیات رویش بگذاریم

اتومبیل یا شخصی است یا کرایه و ببارت آخری یا آدم تویش می نشینند و یا تویش با دم میرزند و این هیچ فلسفه ندارد که از اتومبیل شخصی کمتر از اتومبیل کرایه مالیات اخذ شود

این است که بنده پیشنهاد کردم - حالا که میخواهم بهین رأی که در این ماده دو می دهم و چندین قانونی که راجع به وسایط نقلیه از مجلس گذشت و در آنجا برای اتومبیل شخصی هشتاد چهار تومان و کرایه شصت تومان منظور شده و تمام آنها را لغو میکنم و می آیم بنوعی شخصی را سی تومان می کنیم و کرایه را شصت تومان

عدل - این طور نیست

آقایان زاشهاب - به نظر است آنها می کنند که اتومبیل دارند شاید رأی ندهند بنابر این بنده این طور پیشنهاد کردم که از اتومبیل شخصی و کرایه لااقل مساوی بگیرند چون اگر توجه بساقی هم بفرمایند يك اتومبیل کرایه را که عرض راهها مسافرت می کرد هر سفری شاید از اینجا بخافین یا از قصر به اینجا پنجاه تومان یا دویست تومان میداد همین طور از طرف رشت و سایر نقاط که مسافرت میکردند شاید يك مبالغ کلی میدادند و حالا هم در تمام این خطوط اتومبیلها سیر میکنند و شاید اتومبیل های شخصی جز در شهر در جاهای دیگر حرکت نکنند و از نقطه نظر حرکت در شهرها هم خیلی بی تناسب خواهد کرد - حالا باز اختیار با آقایانست

رئیس - نظریه آقای مخبر چیست؟

مخبر - نظریه شخصی بنده را اگر میفرمائید موافقم با آقای آقامیرزا شهاب ولی کمیسیون قبول نمیکند

رئیس - رأی گرفته می شود باین پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای آقا سید تقی مقبوض (باین ترتیب خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم کلاه (مواشی) هم نوشته شود بعد از دواب

بعضی از نمایندگان - قید شده است آقا سید تقی مقبوض - بنده تعجب می کنم

بنابر این شما حالا می خواهید در سر حد بگیرید آنوقت در راهها میگرزید - آنوقت پنج تومان پنج تومان میگرزید حالا شصت تومان شصت تومان میگویند بگیرند

که تا به حال داشته اند بآنها داده شود به اضافه هفتاد و پنج هزار تومان هم بآنها داده شود که صرف ساختن خیابانهای شهر بشود ۱۰ آيا اين كار بدی است پس بنده گمان میکنم این موضوع نباشد بخوانند که استقلال بلدیها را از بین ببرند .

حالا اگر خدای مکرده يك بلدیہ پیدا شد در گفت و گو اینک خیابان شهر را درست کنیم و شهر را تعمیر کنیم من میخواهم استقلال داشته باشم و تمام عایدات را صرف حقوق اشخاص بکنم اگر يك همچو بلدیہ پیدا شد بنده تصور می کنم که باید سعی کرد که این اندازه ها استقلال نداشته باشد پس در مسئله نظارت شده تصور میکنم که آقا اشکالی نکنند آقایان دیگر هم موافقت بفرمایند که بلدیہ کارهای بلدی خودش را بکند بهتر است

اما راجع باصل عایدات و تقسیمی که شده است این جار عایدات زیادی نسبت به بلدیہ شده است برای اینکه معادل عایدات خالص که داشته اند بلدیہها داده میشود به علاوه آن مخارج زیادی هم که میشده نصف ارجعالتا بلدیہها داده میشود

به علاوه هفتاد و پنج هزار تومان هم از برای ساختمان خیابانها بهشان داده میشود از این گذشته هر چه هم عایدات زیاد تر شد به موجب تبصره که در آخر ملاحظه بفرمائید بآن تناسب يك چیزی به بلدیہ داده می شود

در این صورت بنده تصور می کنم از هر حیث رعایت حال بلدیہ شده یعنی بلدیہ ها از امروز بیشتر عایدات خواهند داشت و این قسمت مسلم است

حالا ببینیم بقیه این وجوه به چه مصرفی میخواهد برسد به صرف راه ها و البته آقایان نباید تصور کنند که بنده نظری راجع بطارق و شوارع دارم ولیکن بنده یقین دارم که تمام آقایان متوجه باین نکته هستند که امروز این مملکت در اولین درجه باید اهمیت مسئله طرق شوارع بدهد زیرا اگر امروزه راه داشته باشیم وضعیات زندگی اقتصادی و تجارتی ما خیلی بهتر از این خواهد شد (نمایندگان - صحیح است)

واقعا يك زندگی می شود که میتوان آن زندگی را پیش سر و همسری آورد خوب حالا از کجا پول بیاوریم از محل باج راهها که فعلا عوض آن يك عایداتی باین شکل درست شده باید راه ها را اداره کنیم؟

خوب پس حالا که می آئیم يك تقسیمانی بکنیم اگر بگوئیم راست است که امروز بیش از سابق بلدیہها عایدات داده میشود

ولی ساز هم باید بدهیم ؟ خوب از چه محل بدهیم؟ اگر آقایان در نظر دارند که بیک ترتیب دیگری هم عایدات بلدیہ زیاد تر شود و هم راهها ساخته شود که گمان میکنم هیچ جای تردید نباشد که دولت هم کاملاً با آن نظریه موافق است

اما اگر راه دیگری نیست پس بگذارند عایداتی که از این راه پیدا میشود بخارج راه ها برسد و البته پس از این که این راهها درست شد آنوقت دیگر برای مخارج نگاه داری آنها کمتر به پول احتیاج داریم و البته در آن موقع ممکن است مجدداً پیشنهاد شود که يك عواید بیشتری بلدیہها داده شود ولی اصلاح در این است که با همین ترتیب موافقت بفرمایند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای افسر (شرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد میکنم در قسمت اول ماده سه علاوه شود بعد از سطر معادل صدی پنجاه مخارج کنونی وصول عایدات نوافل بموسسات بلدی (معارفی و صحتی آن شهر) علاوه شود

افسر - مطلب واضح است بعد از قسمت معارف صحتی فراموش شده و بنده یادآوری کردم

حائری زاده - چون مدتی از ظهر گذشته و آقایان پیشنهادات زیادی داده اند و بنده تصور میکنم حالا تمام اینها بگذرد و خاتمه پیدا کند این است که بنده معتقدم اگر آقایان صلاح بدانند تمام پیشنهادها برود بکمیسیون تا مطالعه کنیم و مجدداً بفرستیم به مجلس

وزیر فواید عامه - راجع باین پیشنهادی که شاهزاده فرمودند يك پیشنهادی هم آقای آقا سید یعقوب نوشته اند و تصور می کنم با آن پیشنهاد آقای مخبر هم موافق باشند و دولت هم موافق است و مقصود هم بهتر حاصل میشود

آن پیشنهاد را ممکن است بخوانند تا آقایان درست متوجه شوند و تصور میکنم لزومی نداشته باشد که پیشنهاد برود به کمیسیون

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب خوانده میشود (بترتیب ذیل خوانده شد) تبصره دوم ماده سوم - ماخذ وجوه پرداختی بمعارف وسط عایدات خالص معارفی سنه ۱۳۰۴ در صورتی که عایدات حاصله بعد از سنه ۱۳۰۵ بیشتر از میزان عایداتی باشد که در سنه ۱۳۰۵ بوده پرداختی بمعارف نیز بهمان تناسب علاوه خواهد شد

وزیر فواید عامه - گمان میکنم محتاج بتوضیح نباشد و البته دولت هم با این نظر موافق است

رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده افسر - پیشنهاد بنده تأمین نشده زیرا کلمه صحتی اعتنا نشد

رئیس - برای گرفته می شود به پیشنهاد آقای افسر وزیر فواید عامه - کلمه صحتی را هم قبول میکنم اضافه شود

رئیس - (خطاب با آقای افسر) نظریه جنابعالی تأمین شد؟ افسر - بلی

رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده (بهضون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم در عبارت آخر قسمت الف از ماده سوم بعد از کلمه (بموسسات بلدی) این عبارت اضافه شود به تناسب عایدات حالیه آنها از محل نوافل

رئیس - آقای تقی زاده (اجازه) تقی زاده - توضیح مفصلی ندارم چون اینجا نوافل حذف میشود و همه عایدات میرود بوزارت مالیه و در این ضمن پیشنهاد شده است که هفتاد و پنج هزار تومان برای ساختمان خیابان های تمام شهر ها داده شود

در صورتی که بعضی شهرها عایدات نوافلش جزئی بوده است و بعدها حذف می شود و بایستی این مبلغ به نسبت عایدات حالیه آن ها از محل نوافل تقسیم شود

وزیر فواید عامه - یک مرتبه دیگر بفرمائید این پیشنهاد خوانده شود (مجدداً شرح سابق خوانده شد)

وزیر فواید عامه - با این نظر دولت موافق است

رئیس - آقای مخبر مخبر - بنده نمیتوانم از طرف کمیسیون قبول کنم و استدعا میکنم ارجاع به کمیسیون شود تا درش مطالعه شود

وزیر فواید عامه - بنده خیال میکنم منظور کمیسیون هم همینطور بوده که آقای تقی زاده پیشنهاد فرمودند و باید همین طور هم باشد والا از روی چه نسبتی تقسیم می کنند

بیک نسبت غیر عادلانه که نمیتوانند تقسیم کنند امروز با فراد هفتاد و پنج هزار تومان یا اضافه که در عایدات پیدا می شود به تناسب عایدات امروزه باید تقسیم شود

رئیس - باید برای قابل توجه بودنش گرفت ولی چون از طرف آقای مخبر تقاضای ارجاع بکمیسیون شده بنابر این پیشنهاد با ماده ارجاع می شود بکمیسیون سایر پیشنهادات را هم اگر آقایان موافقت ارجاع شود بکمیسیون آقایان موافقت هستند جلسه را ختم میکنیم؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است

کازرونی - بنده پیشنهادی راجع

بدستور جلسه آتیه دارم

رئیس - عجلالتوروش را مین کنبه تا بعد ۱۰ جلسه فر داسه و نیم قبل از ظهر دستور هم دستور امروز (مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین

منشی - م شهاب منشی - ع خطیبی

جلسه ۲۴۹ صورت مشروح مجلس مورخه یکشنبه هیجدهم بهمن ماه ۱۳۰۴ مطابق ۲۳ رجب ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید

(صورت مجلس روز قبل را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه) شریعت زاده - در صورت مجلس عرضی ندارم

رئیس - آقای رضوی (اجازه) رضوی - بنده در دستور و قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای شوشتری شوشتری - عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج حسن آقاملک حاج حسن آقاملک - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای زعیم (اجازه) زعیم - اگر اشتباه نکنم در ضمن خواندن صورت جلسه اینطور شنیدم که دیروز بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده دیروز مریض بودم و اطلاع هم داده بودم

رئیس - بعد از مراجعه به کمیسیون عرایض و مرخصی اصلاح میشود آقای سهراب زاده

رئیس - سهراب زاده - بنده راهم جزو دیگر آمدگان بی اجازه نوشته بودند در صورتیکه اجازه خواسته بودم

رئیس - هنوز راپرتش از کمیسیون نرسیده آقای ضیاء (اجازه)

آقا سید ابراهیم ضیاء - آن تبصره پیشنهادی بنده در زمینه عوارض غیر قانونی تریاک و همچنین پیشنهادات جمعی از نمایندگان محترم باین مناسبت مسترد شد که آقای مخبر توضیح دادند که در ضمن ماده چهارم منظور میشود آقای وزیر مالیه هم در این خصوص يك اظهاراتی فرمودند و لازم بود علت استردادش در صورت مجلس ذکر شود

علت استردادش در صورت مجلس ذکر شود